

نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان استرآباد جنوبی شهرستان گرگان)

علی‌اکبر نجفی کانی^۱ - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

زینب وصال - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۵

چکیده

مدیریت محلی مفهومی نسبتاً جدیدی است که از ارکان اصلی حل مسائل و مشکلات روستایی به شمار می‌آید و کاربرد آن در حوزه‌ی مسائل روستایی روز به روز در حال افزایش می‌باشد. امروزه یکی از راهبردهای مؤثر در توسعه همه جانبه و پایدار نواحی روستایی، نقش مدیران محلی در جریان توسعه روستایی است، به‌طوری‌که با سیاست‌گذاری و اجرای صحیح مدیریت و برنامه‌های توسعه روستایی در قالب هدایت آن‌ها برای استفاده از توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و مشارکت مردمان محلی راه رسیدن به توسعه پایدار روستایی را هموار می‌گردد. با توجه با اینکه زنان روستایی نقش کلیدی در امور مختلف بویژه تولیدات کشاورزی، صنایع روستایی و... دارند، در جریان توسعه روستایی حائز اهمیت هستند، و توانمندسازی آنان در کانون مفاهیم جدید توسعه و تقویت راهبردهای فقرزدایی در مناطق روستایی شناخته شده است. در این راستا، مقاله حاضر سعی دارد به بررسی نقش مدیران محلی (شورای اسلامی و دهیار) در توانمندسازی زنان روستایی در دهستان استرآباد جنوبی واقع در شهرستان گرگان بپردازد. روش پژوهش حاضر بصورت توصیفی-تحلیلی است و تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۰ نفر بدست آمده است. سپس بعد از طراحی پرسش‌نامه ایی زنان روستایی دهستان استرآباد جنوبی بصورت تصادفی ساده/سیستماتیک مورد سنجش و آزمون قرار گرفتند. برای سنجش داده‌ها از آزمون‌های تحلیل همبستگی (اسپیرمن، کندال، کرامر) و مک‌نمار در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مدیران محلی با عملکردهای خود تأثیر قابل توجهی در زمینه‌های مختلف اعم از ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، افزایش درآمد، تقویت تعاونی‌ها و تشکل‌های زنان و همچنین توجه به مهارت‌های زنان روستایی در دهستان استرآباد جنوبی داشته‌اند.

واژه‌گان کلیدی: مدیریت محلی، توانمندسازی، زنان روستایی، دهستان استرآباد جنوبی.

۱. مقدمه

عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه در مناطق روستایی در دهه‌های گذشته با توجه به چالش‌های فراوان و متعدد فراروی توسعه سکونتگاه‌های روستایی صاحب‌نظران توسعه روستایی را بر آن داشت تا در رویکرد خود، برنامه‌ریزی‌های متمرکز و از بالا به پایین را در توسعه روستایی کنار گذاشته و برای عناصر و منابع بومی در فرآیند توسعه در قالب سرمایه انسانی و اجتماعی اهمیت بیشتری قائل شوند. بنابراین الگوی توسعه از پایین، با رویکرد توسعه مشارکتی است که در آن مشارکت به صورت غایی و ابزاری ایفای نقش می‌کند. چنین الگویی در حوزه توسعه روستایی خود را با راهبرد توسعه همه جانبه نشان داده که تحقق و اجرای این راهبرد، مشارکت سازمان‌یافته و مؤثر یک جامعه در قالب سازمان‌های غیردولتی را طلب می‌کند (غفاری، ۱۳۸۰: ۵). بر این اساس در سیستم جدید مدیریتی کشور، مدیریت روستاها به شوراها و دهیاری‌ها سپرده شده است. چرا که مدیریت روستایی فرآیند ساماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست و در فرآیند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷) و از این رو تشکیل شوراهای اسلامی روستایی اقدامی بسیار مؤثر در فرآیند مشارکت مردم در توسعه نواحی روستایی محسوب می‌شود، اما از آنجا که شورا اساساً یک نهاد مشورتی و نظارتی است و بدون تشکیلات اجرایی ناقص است و نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد و برای امور نیازمند دهیاری و دهیار برای تمشیت امور نیازمند تصمیمات شورا است، قانون تأسیس دهیاری‌ها خودکفا در روستاهای کشور در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید. این قانون برای تحقق اصل مدیریت واحد حدود وظایف و اختیارات هر یک از این دو نهاد را مشخص کرده است. که هر کدام دارای وظایفی جداگانه و مهم در ارتباط با روستا، اهداف برنامه‌های توسعه پایدار روستایی و توانمندسازی اقشار محروم و فقیر محلی می‌باشند. امروزه توانمندسازی به عنوان رویکردی نوین در برنامه‌های توسعه روستایی مطرح می‌شود و مهم‌ترین محور آن کسب قدرت کنترل و تسلط بر نیروهای تأثیرگذار بر حیات انسانی است که می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد. در روند برنامه‌ریزی روستایی ایران، موضوع توانمندسازی می‌تواند به این شکل‌ها مطرح گردد: افزایش دانش و سواد، بقای نیروی باسواد در روستا و افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری. اما با توجه به اینکه زنان روستایی قشر عظیم و نیمی از جمعیت روستاها و به همان نسبت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، اگر توانمند شوند و روحیه مشارکت اجتماعی در آن‌ها ارتقاء یابد، نیل به توسعه روستایی سریع‌تر تحقق می‌یابد (NajafiKani, 2014: 498؛ گلچین، ۱۳۸۴: ۱۲).

با توجه به اینکه زنان روستایی و نقش آنان در فرآیند توسعه در کشورهای جهان سوم عمدتاً مورد غفلت قرار گرفته است و باور نداشتن جامعه روستایی به اهمیت نقش زنان، بی‌توجهی مدیران و برنامه‌ریزان به زنان باعث می‌شود که در اغلب این کشورها، زنان روستایی عناصری حاشیه‌ای، غیرفعال و غیرمولد شناخته شده و در بهره‌مندی از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، ارتباط با بازار کار و در نهایت مشارکت و تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان محروم شوند (فضیله خانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۱). به همین دلیل دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال و توانمندسازی زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نمی‌باشد (ارسی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۸). اما واقعیت این است که از توانایی‌های زنان روستایی برای ساختن بهتر زندگی خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نشده است و بسیار کم ارزش‌گذاری شده است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

در این راستا مقاله حاضر در صدد است، به بررسی نقش مدیران محلی در توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف (فردی، اجتماعی و اقتصادی) در دهستان استرآباد جنوبی واقع در بخش مرکزی شهرستان گرگان بپردازد و لذا با عنایت به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر می‌کوشد تا به سوال‌های اصلی زیر پاسخ دهد:

– آیا عملکرد مدیران محلی منجر به توانمندسازی زنان روستایی در ناحیه مورد مطالعه شده است؟

– آیا زنان روستایی ساکن در ناحیه مورد مطالعه از عملکرد شورای اسلامی و دهیاران در امور زنان رضایت دارند؟

۲. مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱. پیشینه تحقیق

در این بخش به خلاصه‌ای از نتایج مطالعات انجام شده پیرامون نقش مدیران محلی در توانمندسازی زنان روستایی پرداخته می‌شود. با بررسی انجام شده به‌طور کلی می‌توان اذعان داشت که در این زمینه مطالعات قابل توجهی انجام نشده است، لذا تعداد تحقیقات صورت گرفته بیشتر در زمینه عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان، توانمندسازی اقتصادی زنان و... می‌باشد. به‌طوریکه سروش‌مهر و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیق با عنوان بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان همدان به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین مولفه‌های تأثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان، سه عامل مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی است. نتایج حاصل از تحقیق کریمی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان چالش‌های اجتماعی شوراها روستایی در مدیریت محلی نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش اجتماعی مدیران روستایی، سهم اندک زنان و مشارکت آنان در مدیریت روستایی علیرغم جمعیت قابل توجه آنان در ساختار جمعیت روستاها است. حسینی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان به این نتایج دست یافتند که سطح توانمندی کارکنان زن در حد متوسط قرار دارد و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی عبارت است از: (۱) نگرش مدیریت؛ (۲) ساختار گروهی؛ (۳) ارزش‌های بین‌گروهی؛ و (۴) روابط اطلاعاتی. همچنین راستابی و همکاران (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با موضوع توانمندی زنان برای مشارکت در توسعه، به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان می‌باشند.

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. مدیریت محلی

فرآیند توسعه از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث سرزمین‌ها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها مستلزم بهره‌گیری از استعداد، توان، حضور فعالانه مردم و مشارکت آن‌ها در مراحل توسعه است. که برای مشارکت مردم در توسعه روش‌های مختلفی از جمله تشکیل گروه‌های سازماندهی شده مانند تعاونی‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی به عنوان نهادهای مردم محور و مشارکت‌گرا وجود دارد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۶). تشکیل این گروه‌ها برای اعضای آن‌ها این فایده را دارد که روش مناسبی برای مراقبت از منافع خود می‌باشند و در حالی که از سوی دیگر، اعضای این گروه‌ها برای دولت و ارگان‌های وابسته به آن به عنوان مشاور، قابل دسترسی هستند (مهندسان مشاور از DHV هلند، ۱۳۷۱). از این رو در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، رویکرد تمرکززدایی از وظایف دستگاه‌های دولتی به عنوان یکی از رویکردهایی است که در عرصه جهانی تجربه شده است. به‌طوری‌که در تدوین برنامه سوم توسعه کشور، ضمن آگاهی از مضرات تمرکز تصدی‌های غیر ضرور در بدنه دولت، در چندین ماده قانونی تلاش گردید تا زمینه واگذاری برخی از وظایف اجرایی دستگاه‌های دولتی به نهادهای عمومی غیر دولتی و محلی فراهم گردد. در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی، بند ۲ ماده ۱۳۷ قانون برنامه سوم به این امر توجه شده و در سایر قوانین نیز پشتوانه‌های مالی تفویض و واگذاری اموری که جنبه محلی دارند از دستگاه‌های دولتی به سازمان‌ها و نهادهای محلی (شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) پیش‌بینی شده است (حسنوند، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

در این میان می‌توان به مدیریت محلی روستایی که متشکل از شورای اسلامی و دهیار است اشاره نمود. شوراهای اسلامی روستا، نهادی است که اعضای آن بر اساس قانون با رای مستقیم مردم برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. این نهاد وظیفه‌ی مدیریت روستایی را برعهده داشته و بر کلیه امور عمومی روستا نظارت عام دارد و از جمله وظایف آن:

بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی و ارائه راه حل به مقامات مسئول، برنامه‌ریزی و اقدام در جهت مشارکت مردم در همه مراحل و برنامه‌های توسعه و نظارت بر اقدامات دولت در روستا و غیره. اما دهیاری‌ها، به عنوان تشکیلات اجرایی روستا از سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون تشکیل سازمان دهیاری‌های خودکفا آغاز به کار کردند که می‌توان به برخی از وظایف دهیاری از جمله: اجرای تمام مصوبات شورای اسلامی، شناسایی زمینه‌های اشتغال، تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج، توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی در روستا، مراقبت در اجرای قوانین بهداشتی و حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط و... (ملکان و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵) اشاره کرد. در عین حال مدیران محلی علاوه بر وظایف مطرح شده در قانون دارای یکسری مسئولیت‌هایی دیگر از جمله: حمایت از کارآفرینان محلی و فراهم کردن زمینه‌های اشتغال آن‌ها، حمایت از زنان روستایی مانند زنان سرپرست خانوار و فراهم کردن زمینه‌های حضور فعالانه و مشارکتی آنان در جریان توسعه روستایی از راه توانمندسازی آنان در محیط روستایی هستند. در همین رابطه امروزه هزاران سازمان غیردولتی در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته به موضوعات توانمندسازی زنان در حوزه‌های گوناگونی چون آگاه‌سازی و آموزش، ایجاد شبکه‌های اجتماعی حمایتی و فراهم آوردن بسترهای اشتغال‌زایی و غیره می‌پردازند (Yildiz, 2007:254؛ شادی طلب، ۱۳۸۱: ۵۴).

۲-۲-۲. توانمندسازی و زنان روستایی

تعاریف و تفسیرهای متفاوتی از توانمندسازی ارائه شده است که بسیاری از آن‌ها با یکدیگر مشابه‌اند. توانمندسازی معادل لاتین Empowerment، به معنای کسب قدرت یا واگذاری انجام کاری خاص به منظور دستیابی به هدف مشخصی است. بنابراین توانمندسازی عبارت است از: کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای تعیین کننده خود را به دست می‌آورند (شاطریان، ۱۳۸۹: ۱۳۶). عده‌ای دیگر توانمندسازی را نوعی استراتژی مدیریتی برای تسهیم قدرت تصمیم‌گیری می‌دانند (Bowen Lawle, 1992: 49). در برنامه‌های جدید توسعه روستایی، توانمندسازی روستایی به معنای فرآیند گسترش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود برای مشارکت در گفتگو، مذاکره و تحت نفوذ و کنترل درآوردن نهادها و سازمان‌هایی است که در زندگی جوامع روستایی تأثیر دارند و به معنای فرآیند افزایش قدرت چانه‌زنی مردم با مؤسسات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی که عملکرد آن‌ها بر زندگی مردم تأثیر دارد و بر دو اصل مهم توانمندسازی و فقرزدایی تأکید می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

یکی از راه‌های دستیابی به توسعه و توانمندسازی روستاها، مطالعه فعالیت‌های زنان روستایی در عرصه‌های گوناگون می‌باشد. چرا که امروزه نیمی از جمعیت روستاها را زنان تشکیل می‌دهند. با این همه هنوز زنان روستایی جایگاه خود را در ایران و همچنین بیشتر کشورهای جهان به ویژه در حال توسعه به عنوان افراد فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده‌اند و کماکان فعالیت‌های زنان روستایی در محاسبات اقتصادی مد نظر قرار نمی‌گیرد و از آنان به عنوان نیروی کار نامرئی یاد می‌شود. زنان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هرچه بیشتر نرخ رشد تولید محصول‌های غذایی هستند (انوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). بنابراین با توجه به نقش و اهمیت جایگاه زنان در توسعه، توانمندسازی آنان به عنوان رویکرد و راهبردی نوین مد نظر قرار گرفته است و توانمندسازی زنان به این معنی است که کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش باشند، به استعدادهای خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، اهداف خود را بشناسند و با افزایش توانمندی خویش به اهداف مورد نظر دست یابند (WCED, 1987: 10؛ فرخی، ۱۳۷۶: ۷۶).

سازمان ملل متحد نیز در بحث توانمندسازی زنان به عواملی چون: حق تصمیم‌گیری، دسترسی به منابع و فرصت‌های برابر و توانایی برای تاثیر گذاشتن بر تغییرات اجتماعی، اقتصادی در سطح ملی و بین المللی تأکید می‌کند و عقیده دارد برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله زیر را طی کرد از جمله:

- ایجاد رفاه نسبی: در این مرحله، رفاه مادی زنان مانند تغذیه، درآمد و رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرد.

- دسترسی به منابع: در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید مانند سرمایه و یا حتی آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد دسترسی داشته باشند.

- آگاهی: در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست بلکه نشات گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ‌ها است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن به برابری است.

- مشارکت: در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود و جامعه شرکت کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد.

- کنترل: در این مرحله، کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (لانگه، ۱۳۷۲: ۲۴).

بنابراین با توجه به مراحل که در بالا برای توانمند شدن زنان از سوی سازمان ملل اشاره شد، می‌توان ابعاد توانمندسازی زنان را مطابق جدول زیر تعریف کرد:

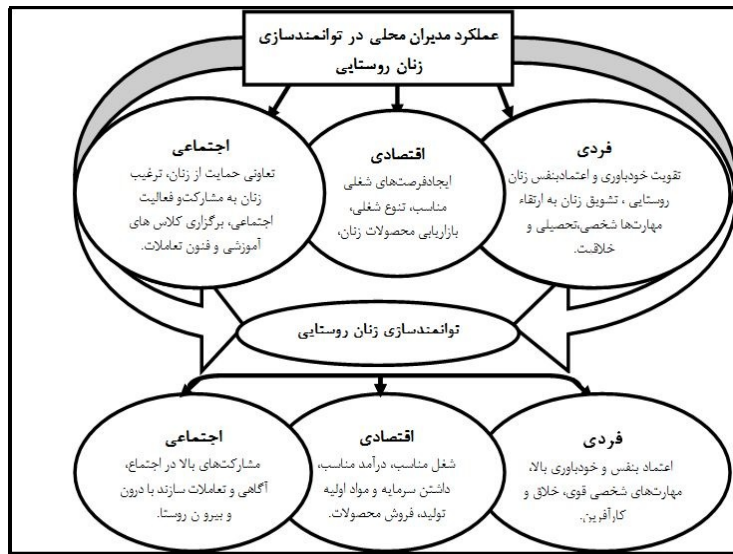
جدول ۱. ابعاد توانمندسازی زنان روستایی

ابعاد	شاخص‌ها
فردی - روانشناختی	ارتقا تحصیلات، خودباوری و اعتماد بنفس، خلاقیت، مهارت‌های شخصی
اقتصادی	شغل مناسب، درآمد، سرمایه کافی
اجتماعی	مشارکت، تعامل بهتر یا دیگران و آگاهی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

۳. روش‌شناسی تحقیق

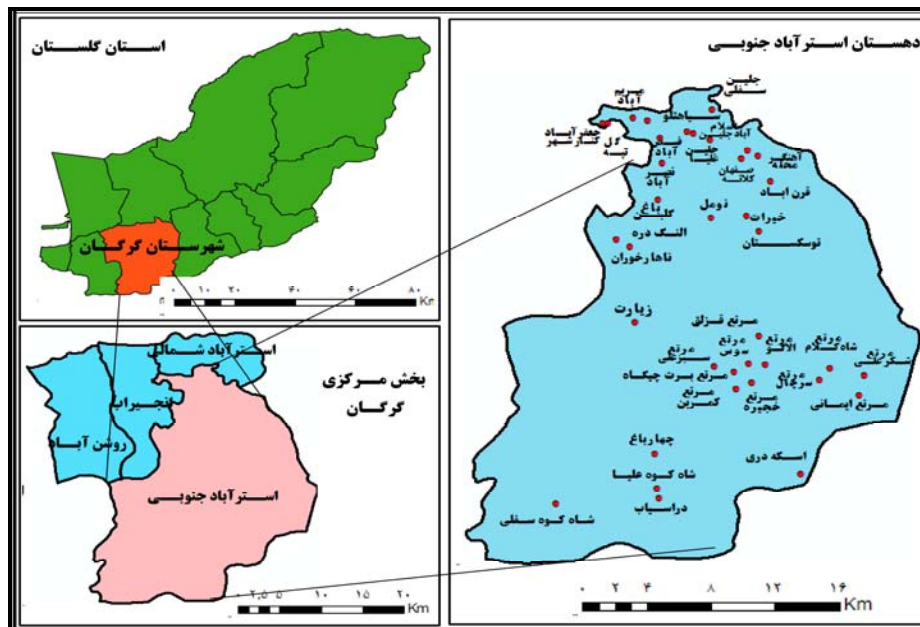
این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است که به منظور گردآوری داده و اطلاعات از روش میدانی با استفاده از پرسش‌نامه و روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق مشتمل بر زنان در دهستان استرآباد جنوبی واقع در بخش مرکزی شهرستان گرگان می‌باشد. نمونه آماری این تحقیق شامل ۲۰۰ نفر از زنان روستایی می‌باشند که نمونه‌ها از طریق فرمول کوکران تعیین شده است و نحوه دسترسی به نمونه‌ها بصورت تصادفی ساده و سیستماتیک بوده است و بعد از جمع‌آوری داده‌ها تجزیه - تحلیل آن‌ها در محیط SPSS با استفاده از روش‌های آماری همبستگی (اسپیرمن، کندال، فای/کرامر) و مک نمار استفاده شده است. به منظور شناسایی و بررسی عملکرد مدیران محلی بر توانمندسازی زنان روستایی، تأثیر عملکرد مدیران محلی را در ۳ بعد اقتصادی، اجتماعی و فردی بر توانمندسازی زنان روستایی ساکن در دهستان استرآباد جنوبی براساس نظرات زنان در شکل (۲) سنجیده‌ایم.



شکل ۱. مدل تحلیلی عملکرد مدیران در توانمندسازی زنان روستایی

۴. محدوده مورد مطالعه

بخش مرکزی شهر گرگان دارای سه دهستان (استرآباد جنوبی، روشن آباد و انجیرآب) می‌باشد. دهستان استرآباد جنوبی از سمت شمال و جنوب به ترتیب به دهستان‌های استرآباد شمالی و کوهپایه و از سمت غرب به شهرگرگان و دهستان انجیرآب و از سمت شرق به دهستان قرق محدود می‌گردد. این دهستان بین ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۲۶ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی واقع است و براساس سرشماری ۱۳۹۰ دارای ۲۱ آبادی دارای سکنه و جمعیتی معادل ۲۲۸۶۴ نفر است.



شکل ۲. موقعیت دهستان استرآباد جنوبی در تقسیمات سیاسی

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های توصیفی، از کل نمونه آماری زنان دهستان استرآباد جنوبی بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی بالای ۴۰ سال معادل ۸۱.۸ درصد و کمترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۲۵-۲۰ سال معادل ۲.۸ درصد است. از نظر تحصیلات، بیشترین فراوانی سطح تحصیلات مربوط به تحصیلات ابتدایی معادل ۵۴ درصد و کمترین فراوانی مربوط زنانی است که دارای تحصیلات دیپلم هستند. همچنین بیشترین فراوانی فعالیت اقتصادی زنان روستایی مربوط به صنایع دستی معادل ۳۲.۶ درصد و کمترین فراوانی مربوط به فعالیت‌های خدماتی معادل ۱۰.۱ درصد است.

۵-۲. یافته‌های تحلیلی

به منظور سنجش رابطه بین عملکرد مدیران محلی و توانمندسازی زنان روستایی در دهستان استرآباد جنوبی از آزمون همبستگی اسپیرمن در ابعاد، اقتصادی، اجتماعی و فردی استفاده گردیده است. همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، برای تمام شاخص‌ها رابطه‌ی معناداری در سطح ۹۹ درصد بدست آمده است. در واقع ارتباط بسیار قوی بین عملکرد مدیران محلی در همه ابعاد با میزان توانمندسازی زنان روستایی ناحیه مورد مطالعه وجود دارد. بطوریکه در بعد اقتصادی ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان با میانگین (۳.۱۵)، در بعد اجتماعی تقویت تعاونی‌ها و تشکل‌های زنان با میانگین (۳.۲۸) و همچنین در بعد فردی توجه به مهارت‌های زنان روستایی با میانگین (۳.۳۱) از سوی مدیران محلی روستا بیشترین تاثیر را در توانمندسازی زنان به همراه داشته است.

جدول ۲. میزان رابطه بین عملکرد دهیاران و توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از تحلیل همبستگی اسپیرمن

ابعاد	شاخص‌ها	میانگین رتبه ای	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اقتصادی	ایجاد فرصت شغلی مناسب برای زنان	۳.۱۵	۰.۲۵۱	**۰.۰۰۰
	تامین سرمایه و مواد تولیدی زنان	۲.۵۴	۰.۲۷۳	**۰.۰۰۳
	فروش محصولات تولیدی زنان	۲.۳۳	۰.۱۹۳	**۰.۰۰۶
اجتماعی	تقویت تعاونی و تشکل‌های زنان	۳.۲۸	۰.۲۳۸	**۰.۰۰۰
	تشویق زنان به فعالیت و مشارکت‌های اجتماعی	۳.۲۲	۰.۱۹۳	**۰.۰۰۰
	برگزاری کلاس‌های آموزشی-مهارتی زنان	۲.۳۴	۰.۳۶۳	**۰.۰۰۰
فردی	تقویت خودباوری زنان روستایی	۲.۸۵	۰.۱۵۵	**۰.۰۰۸
	تشویق زنان به ارتقاء تحصیلات	۲.۰۳	۰.۱۴۴	**۰.۰۰۰
	توجه به مهارت‌های زنان	۳.۳۱	۰.۳۸۹	**۰.۰۰۵
	تقویت روحیه خلاقیت در زنان	۲.۵۳	۰.۴۹۴	**۰.۰۰۰

** معناداری در سطح ۹۹ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

براساس جدول (۳) برای بررسی رابطه بین دو متغیر عملکرد مدیران محلی در حوزه توانمندسازی زنان روستایی و رضایت زنان در قالب فرضیه دوم از آزمون کندال استفاده شده است. به طوریکه مشخص گردید که سطح معناداری براساس این آزمون برابر ۰.۰۰ می‌باشد. که بیانگر وجود رابطه معنادار تا سطح ۹۹ درصد بین این دو متغیر می‌باشد و این نشان از این دارد، در صورتی که مدیران محلی در امور مربوط به توانمندی زنان عملکرد مطلوب و همراه با برنامه‌ریزی را داشته باشند و دنبال کنند، به همان میزان رضایت زنان روستایی از مدیران و عملکرد آن‌ها افزایش می‌یابد.

جدول ۳. میزان رابطه بین عملکرد مدیران محلی در امور زنان با رضایت زنان روستایی با استفاده از تحلیل همبستگی کندال

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب کندال	سطح معناداری
عملکرد مدیران محلی	رضایت زنان	۰.۴۰۵	**۰.۰۰۰

** معناداری در سطح ۹۹ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

براساس جدول (۴) به منظور سنجش رابطه بین توانمندسازی زنان و توسعه پایدار روستایی از آزمون فای/کرامر استفاده گردیده است. نتایج به دست آمده نشانگر این است که رابطه‌ای قوی بین این دو متغیر وجود دارد به گونه‌ای که توانمندسازی زنان توانسته تا سطح ۹۹ درصد بر توسعه پایدار روستایی تأثیر بگذارد و این معناداری بیانگر این نکته است که با توجه به عملکردهایی که مدیران محلی در ناحیه مورد مطالعه در ابعاد مختلف توانمندسازی زنان داشته‌اند، توانسته‌اند زمینه‌های توسعه پایدار روستایی را از طریق توانمندکردن زنان در امور مختلف روستا فراهم کنند.

جدول ۴. میزان رابطه بین توانمندسازی زنان روستایی با توسعه روستایی با استفاده از آماره فای/کرامر

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب فای	سطح معناداری
توانمندسازی زنان	توسعه پایدار روستایی	۰.۵۴۱	**۰.۰۰۲

** معناداری در سطح ۹۹ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

برای سنجش رابطه بین توانمندسازی زنان در دهستان استرآباد جنوبی در قبل و بعد از تأسیس دهیاری‌ها از آزمون مک نمار استفاده گردیده است. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۵)، ۱۲ نفر موافق و ۸۵ نفر مخالف، توانمندسازی زنان در قبل از تأسیس دهیاری بوده‌اند و همچنین ۷۲ نفر موافق و ۳۲ نفر مخالف توانمندسازی زنان در بعد از تأسیس دهیاری‌ها در این دهستان می‌باشند. در واقع نتایج حاصل از آزمون مک نمار نشان می‌دهد رابطه معناداری تا سطح ۹۹ درصد بین توانمندسازی زنان در ناحیه مورد مطالعه در قبل و بعد از تأسیس دهیاری‌های وجود دارد. به این معنا که توجه به توانمندسازی زنان در قبل از وجود دهیار در روستا چندان در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی جایی نداشته و کم اهمیت تلقی می‌شده، اما با تأسیس دهیاری‌ها در روستا، به تدریج توجه به نقش زنان و فعالیت‌های اقتصادی ارزشمند و در خور توجه آنان در روستا شکل گرفت و به تبع آن زمینه‌های توانمندسازی آنان را در ابعاد مختلف فراهم کردند.

جدول ۵. توانمندسازی زنان در قبل و بعد از تأسیس دهیاری‌ها

مؤلفه	موافق		مخالف		معناداری مک نمار
	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	
توانمندسازی زنان روستایی قبل از تأسیس دهیاری	۱۲	۸۵	۳۲	۷۲	۰.۰۰۳
توانمندسازی زنان روستایی قبل از تأسیس دهیاری	۷۲	۳۲	۸۵	۱۲	

** معناداری تا سطح ۹۹ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۲

۶. بحث و نتیجه گیری

توانمندسازی زنان، یکی از اهداف توسعه ملل در هزاره سوم به شمار می‌آید که در جریان توانمندسازی آنان دخالت عوامل و عناصر مختلفی از جمله: عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی را می‌توان نام برد. لذا در این تحقیق به بررسی نقش مدیران محلی به عنوان یکی از عوامل نهادی در توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فردی پرداخته شده است. نتایج حاصل آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که بین عملکرد مدیران محلی و

توانمندسازی زنان روستایی و همچنین بین عملکرد آنان و رضایت زنان رابطه معناداری تا سطح ۰.۹۹ درصد وجود دارد. به گونه‌ای که مدیران محلی روستا از یک سو توانسته‌اند بیشترین تأثیر را در بعد اقتصادی با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، در بعد اجتماعی با حمایت از تعاونی‌ها و تشکل‌های زنان و تقویت روحیه خودباوری زنان روستایی در بعد فردی در توانمندسازی زنان داشته باشند. از سویی دیگر می‌توانند با بهبود عملکرد خود در حوزه توانمندسازی زنان به همان میزان رضایت زنان را افزایش دهند. براین اساس می‌توان اذعان داشت که فرضیه H1 مبنی بر ارتباط بین عملکرد مدیران محلی با توانمندسازی و میزان رضایت زنان روستایی تأیید می‌شود. علاوه بر آن رابطه بین توانمندسازی زنان و توسعه روستایی تأیید و نشان می‌دهد رابطه معنادار ۹۹ درصدی بین آن‌ها وجود دارد به نوعی که توانمندسازی زنان به عنوان متغیر مستقل در توسعه روستایی ناحیه مورد مطالعه نقش بسزایی داشته است. همچنین تفاوت معنادار در توانمندسازی زنان در قبل و بعد از تأسیس دهیاری‌ها با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود و نشان می‌دهد که در قبل از تأسیس دهیاری به مقوله توانمندسازی زنان توجه زیادی نشده است اما با تأسیس دهیاری‌ها و گذشت بیش از ۱۰ سال فعالیت در روستا و آشنایی با نقش مهم زنان روستایی در همه زمینه‌های توسعه روستایی اعم از اقتصادی، اجتماعی و محیطی و غیره توجه به توانمندسازی آنان مدنظر مدیران قرار گرفت.

براساس نتایج بدست آمده از یافته‌های پژوهش، راهکارهای کاربردی برای بهبود و افزایش اقدامات مدیران محلی در زمینه توانمندسازی زنان روستایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ایجاد اشتغال متناسب با روحیه زنان، همراه با درآمد مناسب در نواحی روستایی به منظور توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی؛

- تشویق و حمایت از تشکل‌ها، تعاونی‌ها و انجمن‌های زنان روستایی به منظور مشارکت دادن زنان در فعالیت‌های اجتماعی از طریق این صنوف؛

- راه اندازی کارگاه‌های آموزشی-مهارتی و فنون گفتگو برای زنان به منظور توانمندسازی آنان در تعاملات و ارتباطات اجتماعی درون و بیرون از روستا؛

- ایجاد فرصت‌هایی برای ارتقاء خلاقیت و نوآوری زنان روستایی به منظور راه اندازی کسب و کارهای جدید و کوچک؛
- توجه به مهارت‌های شخصی زنان روستایی و حمایت از این مهارت‌ها به منظور تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس آن‌ها؛

- تخصیص ردیف‌های اعتباری خاص دربخشنامه و دستورالعمل بودجه دهیاری‌ها در راستای توانمندسازی زنان روستایی؛
- ارائه طرح‌های زودبازده در نواحی روستایی توسط مدیران و مسئولان جهت بکارگیری مهارت‌های زنان روستایی در نواحی مختلف با تأکید بر دانش بومی؛

۷. منابع

۱. ارسى، ساعى و ولى‌پور، ایرج، ۱۳۸۹، شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: استان لرستان)، فصلنامه علوم رفتاری، شماره ۶۹، صص ۱۰۷-۶۷.
۲. انوری، سمیرا، ۱۳۹۱، توانمندسازی زنان روستایی در مدیریت ضایعات کشاورزی، خانگی و تولید ورمی کمپوست، ماهنامه بزرگ، سال سی و دوم، شماره ۱۰۷۰، صص ۳۵-۳۲.
۳. ایمانی جاجرمی، حسین و کریمی، علیرضا، ۱۳۸۸، چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی در مدیریت محلی، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱، صص ۸۹-۱۱۴.

۴. حسونند، احسان و حسونند، اسماعیل، ۱۳۹۰، تجربه دهیاری‌ها، موانع توفیق و کارکردهای آن‌ها (مطالعه موردی: دهیاری‌های شهرستان سلسه در استان لرستان)، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۱۶۴-۱۳۹.
۵. دادور خانی، فضیله و چوپچیان، شهلا، ۱۳۹۱، مناسبات جنسیتی در فضاهای روستایی و تأثیر آن بر مشارکت زنان (مطالعه موردی: مقایسه‌ای دهستان مریدان شهرستان لنگرود و دهستان هولی شهرستان پاوه)، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۶۲-۱۳۸.
۶. رضوانی، محمد رضا، ۱۳۹۰، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی در ایران، چاپ چهارم، انتشارات سمت.
۷. شاطریان، محسن و گنجی‌پور، محمود، ۱۳۸۹، تأثیرات سرمایه گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای بخش ابوزید آباد شهرستان کاشان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۵۲-۱۳۱.
۸. شادی طلب، ژاله، ۱۳۸۱، توسعه چالش‌های زنان ایران، نشر قطره، تهران.
۹. غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۰، بررسی موانع اجتماعی فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان یافته (در قالب NGOها) در جامعه روستایی ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کاشان)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
۱۰. فرخی، طاهره، ۱۳۷۶، نقش زنان در توسعه پایدار، تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون، دوره جدید، شماره ۷۴، صص ۷۹-۷۶.
۱۱. کتابی، محمد، یزد خاستی، حجت و فرخی راستیابی، زهرا، ۱۳۸۲، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، پژوهش‌های زنان، سال ۳، شماره ۷، صص ۳۰-۵.
۱۲. کلاتری، خلیل، شعبانعلی قمی، حسین و سروش‌مهر، هما، ۱۳۸۹، بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمند سازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان)، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۲۴-۱۰۷.
۱۳. گلپج، زهرا، ۱۳۸۴، کارآفرینی روستایی و توسعه پایدار، ماهنامه سروش بانوان، شماره ۳، صص ۱۳-۱۲.
۱۴. لانگه، سارا، ۱۳۷۲، معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، تهران.
۱۵. ملکان، کریمی، ۱۳۹۱، بررسی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر نقش شورا و دهیاری، مجله پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری‌ها، شماره ۳۵، صص ۱۱-۷.
۱۶. مهندسین مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۵، رهنمودهایی بر برنامه‌ریزی مراکز روستایی، انتشارات جهاد سازندگی.
۱۷. هاشمی، سعید، مطیعی لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی، رضوانی، محمد رضا و مقیمی، سید محمد، ۱۳۹۰، تبیین نقش دهیاری‌ها و شورای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره یکم، صص ۱۱۴-۹۳.
۱۸. نسرين حسینی و رهنورد، فرج‌اله، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان، پژوهش‌های زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۱۸-۱۰۵.
19. Bowen, D.E. and Lawler, E.E., 1992, **The Empowerment of Service Workers: What, Why, How and When?**, Sloan Management Review, Vol. 31 spring, pp.31-9.
20. WCED., 1987, **our common Future – Report of the World Commission on Policy in Europe** , IEEP, p50.
21. **Labour Organization**, First Published.
22. Najafi Kani, A., 2014, **Investigating sustainable development obstacles in front of mountainous village settlements (Case study: Mountainous Villages, Bandpey District, Babol Township)**, irjabs.497-503.
23. Yildiz, E., 2007, **a critical approach to women's entrepreneurship in Turkey**, International.